ذوات و جمله موجودات [illegible] از جمیع وجوه [illegible] مرکب است [illegible]
صورت عقل مجرد [illegible] عالم جبروت [illegible] و عالم [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] عالم ملکوت است و ملکوت [illegible] عالم [illegible]
و عالم جبروت [illegible] حضرت [illegible] و حضرت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عالم [illegible] از

از اسما الالهیه و آن اسم روح محمدی است [illegible] و آنچه از صورت [illegible] و روح صورت
[illegible] بوده و صفات و روح بود اسم است صورت و معنی [illegible] که [illegible]
با هم [illegible] اسم جامع جامع اسما بود صورت او اول اشیا بود و این اسم [illegible]
با اعتبار جامع اسم ذات است با اعتبار اسما و صفات و انسان کامل را دو صورت
است صورت الالهیه و صورت کونیه و بدین وجه مستحق خلافت بوده است [illegible]
[illegible] کون جامع خلیفه است [illegible] و در او [illegible] از [illegible] عالم و ملائکه
علوی [illegible] باطن و ملائکه ارضیه حواس ظاهر و انسان [illegible] عالم [illegible]
و [illegible] انسان را عالم کبیر میگویند بحسب [illegible] و [illegible] جان [illegible] حد
[illegible] جان [illegible] میخوانند [illegible] دوق
[illegible] و [illegible] در ذوق [illegible] کمال [illegible]
جامع [illegible] باخصوص تمام کمال [illegible] اصطلاح عارفان
را [illegible] آنها [illegible] میگویند
و [illegible] میخوانند دوق [illegible] اسم جامع است
یعنی جامع اسما و صفات و بحسب جامعیت [illegible] تمام صفات
و مظهر این اسم [illegible] بحسب رتبه [illegible] مظاهر [illegible] و جامع
مجموع کلیات و جزئیات بوده [illegible] کمالات وجود [illegible]
[illegible] کمالات [illegible] اول [illegible]
مظهر او است کما قال علیه السلام اول ما خلق الله نوری [illegible] جمله انوار
[illegible] روشنش [illegible] مراتب [illegible] کلیات و مجموع
مراتب الالهیه [illegible] احکام آن ظاهر [illegible] و اعلی [illegible] الالهیه [illegible]
[illegible] انسان کامل [illegible] العالم [illegible]
[illegible] انسان کامل [illegible] انسان بوده
[illegible] انسان بوده و این [illegible] اشیا [illegible]
[illegible] مظاهر [illegible] انسان کامل [illegible]
و در [illegible] الا ابد او [illegible]

علم [illegible] اسم [illegible] او [illegible] هر چه [illegible]
صورت [illegible] در صورت اسباب و اسباب حجاب است [illegible] حجاب [illegible]
و [illegible] حجاب [illegible] از اسما الالهیه او را [illegible] لاجرم [illegible] صورت
[illegible] خاص [illegible] صورت اسم [illegible] و انسان کامل جامع جمیع
مراتب الالهیه و کونیه است و مظهر اسم اعظم است صاحب رتبه [illegible]
[illegible] و مراتب نامتناهی و درجات [illegible] و کمال در عالم [illegible]
و [illegible] اعیان بصورت و [illegible] مراتب [illegible]
کما قال [illegible] الناس [illegible]
[illegible] کون جامع [illegible] غالب بود [illegible] احکام
ظاهر [illegible] غالب احکام باطن [illegible] ظهور و بطون [illegible]
[illegible] رتبه [illegible] وسط [illegible] وجوب و امکان
[illegible] جامع [illegible]
وصفتی [illegible] مجموع مراتب [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] دوق
[illegible] عبارت است [illegible] جامعه میان وجوب و امکان
[illegible] و جامع [illegible] محیط [illegible]
اولیه و تقدم [illegible] موجودات [illegible]
احکام [illegible] تمام [illegible] و السلام [illegible]
دوق [illegible] احکام وجوب [illegible] اعظم [illegible]
[illegible] وحدت و کثرت [illegible] احکام [illegible]
و احکام [illegible]
دوق [illegible] اقدس [illegible]
[illegible] فیض اقدس عبارت [illegible]
[illegible] وجوب استعدادات اشیا است در حضرت علمی و فیض مقدس
مترتب بود بفیض اقدس و [illegible] فیض مقدس [illegible] کل یوم هو فی شان

در مهر آیا تجلی میفرماید و امر الهی اولا از حضرت احدیت بود بوجود
واحدیت شد و عقل اول و از عقل موجب بعد از آن بطبیعت کلیه [illegible]
جسم [illegible] بعرش و از عرش بکرسی و سموات سبعه ترتیب یافته [illegible]
از مراتب کلیه [illegible] و عناصر [illegible] جامع [illegible] انسان منحصر گردد [illegible]
غالب و [illegible] مراجعه [illegible] بحضرت الهی [illegible] انسان کامل [illegible]
او تمام [illegible] آخر [illegible] زیرا [illegible] مراتب جامعه الهیه است و اگر قطع
نظر [illegible] اول [illegible] الاسلام [illegible]
[illegible] حضرت الهیه [illegible] واجد [illegible] و این [illegible]
[illegible] تجلی الهی [illegible] مراتب [illegible]
[illegible] جامعه [illegible] دو قسم [illegible]
[illegible] حاصل آنکه [illegible] اصحاب الهی [illegible] حضرت
واحدیت و [illegible] موجودی [illegible] با حضرت اسماء و صفات [illegible]
غیر واسطه دوم با حضرت امکانیه جامع حقائق موجودات ممکنات موجوده
و معدومه سوم با حضرت جمع وجود که مرتبه انسان کامل است که کون
جامع [illegible] حقیقة الحقائق [illegible]
احدیت [illegible] حقیقت محمدیه صلی الله علیه وسلم مرکز دایره وجود است
ازلا و ابدا و احدیت باعتبار حکم وحدت و باعتبار حکم کثرت متعدد و صورت
اسم الهیت [illegible] مطلق بظاهر این مظهر [illegible] باطن [illegible]
[illegible] از حقیقت اوست [illegible] و حقیقت صاحب اسم اعظم
[illegible] ظاهر [illegible] مجموع عالم است و بظاهر احاطه فرموده [illegible]
عالم ظاهر و باطن خواص و عوام عالم باطن [illegible]
[illegible] روح [illegible] جامع اسرار [illegible]
ذات الهیه است از حیثیت روح و او [illegible] عالم کبیر مظاهر است [illegible] از عقل
اول و نفس کلیه و طبیعت کلیه و هیولای کلی و هر چیزی در عالم صغری انسانی مظاهر
آنها [illegible] روح و قلب و فؤاد و صدر و غیرها است [illegible] بسیار و مظاهر

[illegible] و [illegible] تعلق [illegible] صفات غیر متناهیه [illegible] تعلق کلی [illegible] است
علم همه او [illegible] است و [illegible] او لطیف است و ذات او لطیف
دو [illegible] از حیثیت [illegible] از حق صادر نشود الا واحد [illegible]
نیست کثرت [illegible] از یکی صادر نگردد جز یکی و این یکی [illegible]
[illegible] عقل اول است [illegible] موجودات واحد وجود عام است و مناص [illegible] اعیان
ممکنات [illegible] وجود عام بنام [illegible] مطلق حقیقة [illegible]
حروف اصلیه الهیه عبارت است از [illegible] حق اشیا را از حیثیت [illegible]
اشیا در [illegible] حق و [illegible] تصور [illegible]
صور [illegible] و آن تصورات مفرده است [illegible] از ترکیب معنوی و [illegible]
و حروف [illegible] و امهات [illegible] اصلیه و
اسماء [illegible] اصل [illegible]
[illegible] ماهیات از لوازم [illegible] حروف اصلیه اند اما [illegible]
[illegible] ماهیات [illegible] از حیثیت اعتبار نسبت [illegible] حضرت
[illegible] حق [illegible] ذوق حکیم [illegible]
[illegible] از حیثیت [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] ذات حق [illegible] وصف ذات است [illegible] وجود ذات است
[illegible] علم [illegible] لوازم [illegible] اسماء وجود
[illegible] لوازم [illegible] باعتبار [illegible]
وجود [illegible] لوازم [illegible] وجودی [illegible] باعتبار [illegible] وجود [illegible]
[illegible] لوازم [illegible] وجود [illegible] ذوق [illegible]
[illegible] ذوق [illegible] عقل [illegible]
صفات [illegible] وجود [illegible]
[illegible] وجود [illegible]
[illegible] عددی [illegible] کرده اند [illegible] اشارت
[illegible] غیر [illegible] عقل

میگوید

نوع دوم ۲۵ وجود ما جز ادراک واحد بغیر واحد محال چه واحد از آن
روی که واحد است غیر از کل [illegible] و کثرت از آن وجه که کثرت است و بالعکس و صحیح
نباشد که ادراک [illegible] از آن وجه که وحدت حقیقیه است و واحد است بوحدت
وجود بلکه ادراک [illegible] صحیح بود از آن روی که حقیقت متصف است بوجود و
و فنا در عالم [illegible] و ثبوت [illegible] و مدارک و ادراک [illegible] و موانع
ادراک [illegible] که [illegible] کثرت [illegible] بود [illegible] از حیثیت
احدیت [illegible] ادراک [illegible] از وجه وحدت حقیقیه متعلق [illegible]
[illegible] صفات چه [illegible] چه [illegible] و [illegible]
[illegible] دو ۲۶ وحدت را مراتب [illegible] است و هر مرتبه مخصوص است
به [illegible] اعتبار [illegible] وحدت [illegible] حیثیت [illegible]
احدیت [illegible] احدیت [illegible] اعتبار احدیت ذات [illegible]
[illegible] از حیثیت مغایرت ذات [illegible] است باحدیت
[illegible] احدیت [illegible] بود [illegible] احدیت [illegible] وحدت [illegible]
که [illegible] و توحید به اعتبار کثرت اعتبار [illegible] و
احدیت [illegible] کثرت [illegible] توحید [illegible] اعیان و زوال
اعیان [illegible] اعتبار [illegible] اعتبار
وحدت [illegible] واحد است و [illegible] وحدت [illegible] احدیت [illegible] و اضافات
و اضافات [illegible] وحدت [illegible] از حیثیت اسم جامع بود [illegible] اعتبار [illegible]
اعتبار [illegible] از حیثیت [illegible] احکام [illegible] اعتبارات
و [illegible] بود [illegible] نوع [illegible] متعقل [illegible] موقوف است بر شرط
و [illegible] وحدت بالذات [illegible] بالقوه [illegible] شروط
و [illegible] توحید [illegible] احکام [illegible] احکام
[illegible] واحد [illegible] بود [illegible] الواحد
[illegible] الله [illegible] احدیت [illegible] است [illegible] بود از
[illegible] کثرت است [illegible] افعال از وجه وحدت

[illegible]

[illegible] فعل و فاعل [illegible] دو [illegible] دو است در [illegible]
[illegible] است دو ۲۷ عالم من حیث الوجود اشراق شمس ذات است
[illegible] سوی [illegible] موهوم و خیال [illegible] مراتب
اعیان ممکنه است بفیض وجود منبسط [illegible] ظل است هر وجود [illegible]
هر موجود [illegible] وجود خواه در غیب است و خواه در شهود وجود
به اعیان معلوم [illegible] نور [illegible] مظاهر [illegible] ذرات موجودات
مظاهر نور وجودند [illegible] هر [illegible] خورشید [illegible] پیداست [illegible]
[illegible] وحدت ظاهر و مظاهر [illegible]
[illegible] مرتبه احدیت [illegible] ظاهر [illegible] احدیت [illegible]
[illegible] تجلی [illegible] صفات
و [illegible] واحد [illegible] حباب [illegible] متعدد و متکثر [illegible]
[illegible] آب [illegible] حباب [illegible] حباب [illegible]
و حباب [illegible] هر [illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] حباب دو ۲۸ [illegible] اعتبار [illegible] عبارت
[illegible] ذات حق [illegible] توحید [illegible]
[illegible] جام [illegible] عالم [illegible] حق
ذات حق [illegible] از حیثیت [illegible] الاطلاق [illegible]
[illegible] حق [illegible] متعقل [illegible] حق [illegible] تعینات [illegible]
و [illegible] اعتبارات است و [illegible] اضافات [illegible] ظاهر [illegible] وجود و
[illegible] و اضافات باطن است [illegible]
[illegible] واحد واجب [illegible] عبارت است از [illegible] وجود [illegible] ذاتیه
الهیه و [illegible] حق [illegible] الذات [illegible]
[illegible] مراتب وجود [illegible]
از [illegible] دو ۲۹ [illegible] حقیقت محمدیه از حیثیت
[illegible] صاحب اسم اعظم است [illegible] جمیع تعینات [illegible] برزخ
البرازخ و جامع مرتبه احدیه و واحدیه است از [illegible]

[illegible] عالم [illegible] اول [illegible] صورت [illegible]
[illegible] صورت و معنی [illegible]
[illegible] انبیا نبوت [illegible]
انبیا نبوت [illegible] اولوا العزم [illegible]
خلق [illegible]
حکم [illegible]
[illegible] جامع [illegible]
[illegible] احکام [illegible] یا غالب [illegible]
یا جامع ظهور و بطون [illegible]
[illegible]
جامع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ارض و سموات [illegible]
[illegible] عالم شهادت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بگاوز [illegible]

تجاوز [illegible] سلوک [illegible] عالم نفوس و عقول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] السلام [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible] وحدت ذات [illegible]
[illegible] ظاهر و باطن [illegible]
ذات [illegible]
[illegible]
[illegible] اعتبار وجود و علم [illegible]
[illegible]
[illegible] وجود و وجوب [illegible]
[illegible]
وجوب و امکان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وحدت [illegible]
اعتبار وجود و علم [illegible]
و وحدت [illegible]
[illegible]
[illegible] وحدت [illegible]
[illegible]

تفصیل اما کمال اسماء مشروط بود به اتفاق اجلا و به انفس تفصیلا
به جمع و تفصیل عارفانه در رتبه ابو حمزه نسبتها الحاد در باب دو قسم
ذات الهیه با صفات متعینه و اعتبار تجلی از تجلیات اسم و اسماء ملفوظه اسماء
اسماء بسیر عورتی که اسم ما داند صفته و در شان اسم ما خواه لفظ الله اسم اعظم
لد آن نسل [illegible] و این طلسم دنیا است و اسم در مرتبه احدیه غیر مسمات
مرتبه واحدیه عینیه در وجه و غیر وی در وجه و ذات مشتمل بر مبادی اسماء و تکثر اسماء
تکثر صفات و به اعتبار مراتب عینیه منشأ الغیب که معانی مستور است در غیب
وجود حق و شئون و تجلیات حق به اندازه تعین به ذوی مراتب اسماء الهیه موجود
حق بذات حق موجب علم اوست بکمالات ذات الجامعه و در مرتبه احدیه و
حجة الهیه اقتضا ظهور در شئون بکلیه از کمالات ذاتیه به طریق افراد
یعنی کمالات متعینه و حضرت علمیه تجلی ثانی او عینیه بمراتب ممکن از وجه
در علم ذات بود [illegible] اعتبار لکل المعانی که هم بالذات و احدا در اسماء
دو قسم [illegible] صفات [illegible] راحیط [illegible]
بعضی صفات و علم و قدرت و ارادت و سمع و بصر و کلام و [illegible]
[illegible] و [illegible] که [illegible] اول و آخر [illegible]
و باطن [illegible] اسم جامع [illegible] عارفی [illegible]
انسان کامل مظهر جمیع عالم اله در مرتبه و اجلا و در مرتبه تفصیلا
و عالم [illegible] و مظهر اسم جامع الهی [illegible] مظهر [illegible] اسماء الهیه
و اسم [illegible] کلیه غیر متناهیه جامع اسماء بود و حضرت الله غیر متناهیه
الله حضرت [illegible] اول حضرت غیب مطلق و عالم او [illegible] حضرت اعیان
ثابته و [illegible] حضرت شهادت مطلقه و عالم او ملک و [illegible] غیب
مضاف و آن [illegible] حضرت میان این دو حضرت از وجهی که با غیب مطلق
[illegible] و عالم جبروت و ملکوت یعنی عقول و نفوس مجرده از وجهی [illegible]
[illegible] و [illegible] محسوس و [illegible] عقلی

[illegible]

و از حروف کلمه و کلام مرکب [illegible] نقطه الف [illegible]
به حروف [illegible] موضوع [illegible] نقطه مرکب [illegible]
[illegible] نقطه [illegible] قال الامام حسین علیه السلام
الکلام مرکب من الحروف و الحروف مرکبة من الالف و الالف مرکبة من النقطة و
النقطة غیر منقسمة [illegible] علیه [illegible]
[illegible] و [illegible] علم [illegible] موجودات [illegible]
در [illegible] نقطه موجود [illegible] متوقف [illegible] مرکز [illegible]
[illegible] قال [illegible] سر [illegible]
[illegible] نقطه [illegible] موجود [illegible] که [illegible]
[illegible] عالم [illegible] شئ [illegible] توجه و [illegible] نقطه
عقل [illegible] نقطه [illegible]
[illegible] عقل [illegible] نقطه [illegible] و [illegible]
و روح [illegible] خالق [illegible]
[illegible] علم [illegible] نقطه [illegible]
[illegible] نقطه [illegible] دو نقطه [illegible] طبیعه [illegible]
[illegible] طبیعی [illegible] مرکبات [illegible] نقطه
کا مبدا اشیاست [illegible] عقل [illegible] نفس [illegible]
[illegible] طبیعی [illegible] و از طبیعه [illegible] مطلق
[illegible] ملکوت [illegible]
عقل و نفس و طبیعه [illegible]
[illegible] ۳ جمادی [illegible] ۱۲۹۲ [illegible] عالم

ازان دو رکه [illegible]